

نوید به‌تویی در گفت‌وگو با «ایران»:

فلسفه «گیسوم» شعر خیام است

ترکس عاشوری
خبرنگار

از فیلم «گیسوم» برای اولین بار در بخش سینمای سعادت سی‌وهشتمین جشنواره جهانی فیلم فجر رونمایی شد. اولین تجربه بلند سینمایی نوید به‌تویی که بازگرای اکران عمومی اش آغاز شده، روایتی از زندگی دختری است که با شنیدن خبری همه چیز را رها کرده و برای یافتن حقیقت رهسپار ایران می‌شود. آن‌طور که خود به‌تویی تأکید دارد این فیلم روایتی از مواجهه آدم‌ها در موقعیت‌های مختلف و تأثیرپذیری و تأثیرگذاری براساس قضاوت‌ها است؛ قضاوت‌هایی که در زندگی روزمره با آن مواجه هستیم و چون درباره مسائل با هم گفت‌وگو نمی‌کنیم از اتفاق‌های یکسان برداشت‌های متفاوت و قضاوت‌های مختلف می‌کنیم که نتیجه آن گسست بین آدم‌ها و در نگاه کلی‌تر گسست در جامعه است. او معتقد است فلسفه اصلی فیلم فلسفه‌ای است که با شعری از خیام جهانی شده است. گفت‌وگوی این کارگردان جوان با «ایران» را در ادامه می‌خوانید.



■ در فیلم «گیسوم» شاهدیم که جمعی از دورگه‌های ایرانی به کشورشان برمی‌گردند و زندگی در ایران را انتخاب می‌کنند. از طرفی شما هم باوجود اینکه تحصیلات تکمیلی خود را در فرانسه سپری کردید برای ساخت اولین فیلم بلندتان به ایران آمدید. آیا اتفاقی که برای شخصیت‌های فیلم می‌افتد به انتخاب خودتان برای برگشت به ایران مربوط است؟

قبل از اینکه برای تحصیل به کانادا و فرانسه بروم، کارشناسی ارشد را در دانشگاه هنر تهران گرفتم و به‌صورت تجربی هم در تئاتر و سینمای ایران کارهایی انجام داده بودم. در کانادا و فرانسه هم همین تجربیات ادامه داشت. باید بگویم همیشه یعنی از زمان رفتن می‌دانستم که به ایران برمی‌گردم؛ چون معتقدم در زمینه فرهنگ بستری داریم که خاک است و آدم‌ها مانند درخت هستند یعنی آدم نیازمند به این است که از منابع فرهنگی ماقبل خود تغذیه کند. فلسفه اصلی «گیسوم» براساس فلسفه‌ای است که در قرن چهارم با شعری از خیام جهانی شده است. نکته‌ای که وجود دارد این است که من می‌دیدم تمام آدم‌هایی که از ایران رفته‌اند، دغدغه برگشت دارند. سؤال من از آنها این بود که خب چرا

غافل شوید، تا انتها خیلی از چیزها را از دست می‌دهید. در نتیجه در قصه فیلم نیز وقتی تکانه‌ای به این دختر زده می‌شود، تصمیم می‌گیرد تا برود و ببیند که قضیه چیست؟ و به همین دلیل به ایران می‌رود، در ادامه پاسخ به سؤال اولتان هم باید بگویم خیلی ارتباطی به برگشت خودم به ایران ندارد. همچنین ارتباطی به اینکه نخواستم در خارج از ایران کار کنم نیز نداشته است. در خارج کار کرده‌ام و باز هم کارهایی انجام می‌دهم، اما به گمان من بستر فرهنگی مانند زمین می‌ماند و آدم‌هایی که در این بستر کار می‌کنند مانند درخت هستند. این درخت‌ها می‌توانند متفاوت باشند؛ یکی آلبالو، دیگری نارون و کاج باشد ولی تفاوتی نمی‌کند که کجا کار می‌کنید، اگر شما در فرهنگ بستر، پشت و عقبه نداشته باشید، مانند علف هرز می‌مانید و براحتمی از جا درمی‌آیند.

■ برای بیشتر جا افندان این موضوع می‌توانید نمونه‌ای را مثال بزنید؟

موضوع پایان‌نامه من در فرانسه فیلم «شیرین» آقای کیارستمی بود. در واقع در پایان‌نامه از این دریچه به فیلم نگاه کردم که آقای کیارستمی در آن فیلم مینیاتورها امروزی کرده است. یعنی به همان صورت که در نقاشی‌های کمال الدین بهزاد ما یک تک‌بعدی می‌بینیم و بقیه قصه را می‌خوانیم و می‌شنویم، در فیلم شیرین ما دوربین را روی تک‌بعدی‌های زن‌هایی می‌بینیم که انگار هر کدام تکه‌ای از شیرین هستند و کل‌آز آن شخصیت شیرین را به نمایش می‌گذارند. در واقع شیرین نمادی از زن تائزگذار و به قول معروف ابرزن ایرانی است. شیرین آقای کیارستمی هم از اینجا شکل می‌گیرد. یعنی پشت و عقبه دارد و از هوانمی آید.

■ بسیاری معتقدند باتوجه به ممیزی و انحصاری که در سینمای ایران وجود دارد، فیلم ساختن در ایران سخت است، از سوی دیگر برخی ایران را بهشت فیلمسازان اول می‌دانند. باتوجه به گذراندن تحصیلات تکمیلی در خارج از ایران و فعالیت‌هایی که داشتید فیلم ساختن در ایران سخت‌تر است یا کشورهایی مثل فرانسه و کانادا؟

اولا شخصاً معتقدم که ممیزی و محدودیت اصلاً دلیلی برای درگیر شدن من نیست و نمی‌خواهم که درگیر شوم. پس باتوجه به اینکه می‌دانستم می‌خواهم برگردم؛ با وجود اینکه در خارج پروژه‌هایی داشتم و دارم، آمدم و کارم را در اینجا انجام دادم. ■ گذری راجع به ریتم قصه توضیح دهید. به نظر می‌رسد مانند دومینوست و قبول دارید برخی جاهاسرعت فیلم خیلی بالاست؟

خب واقعاً هم همین‌طور باید باشد. به این خاطر که سرعت زندگی ما الان به همین صورت است. شما اگر از نقطه و کلمه اول

بتوانیم آن محدودیت را تبدیل به فرصت کنیم. برای من هیچ‌جا و هیچ‌وقت، هیچ سانسور و محدودیتی نبوده است. برای همین فیلمنامه «گیسوم» کلی اصلاحیه کار می‌کردم و ایشان می‌گفت که به تعداد کلمات یک جمله و مجذورشان در هم می‌توان یک جمله را چید تا معنای آن تغییر کند. شخصیت اصلی داستان به همسرش می‌گوید: این هم مدارک! تصمیم گرفتم فعلاً در ایران بمانم، تو هم تصمیم خودت را بگیر. همسرش در جواب می‌گوید: چرا؟ و شخصیت زن می‌گوید: نمی‌دانم چرا، الان اینجا حالم بهتر است. در نتیجه ممکن است چند روز دیگر حالش آنجا بهتر نباشد و دوباره سکانس را به همین صورت بگیریم و از باران هم استفاده کنیم و من قبول کردم و سکانس خیلی خوبی هم شد.

■ برگردیم به داستان، شخصیت اصلی فیلم بابازی پگاه آهنگرانی برای پیدا کردن پدر خود به ایران بر می‌گردد و فرایند کشف و شهودی را تجربه می‌کند. اما در آخر وقتی متوجه می‌شود که فرزند شهید است، دچار تحول شده و تصمیم می‌گیرد در ایران بماند؛ حتی این را به همسر خود اعلام کرده و به هیچ‌وجه منتظر پاسخ او هم نمی‌شود. این واکنش عجیب نیست؟ منطق آن سست نیست؟

اینطور نیست؛ در واقع دیالوگی که به

بستر فرهنگی مانند زمین می‌ماند و آدم‌هایی که در این بستر کار می‌کنند مانند درخت هستند. این درخت‌ها می‌توانند متفاوت باشند؛ یکی آلبالو، دیگری نارون و کاج باشد، اگر شما در فرهنگ بستر، پشت و عقبه نداشته باشید، مانند علف هرز می‌مانید و براحتمی از جا در می‌آیید

فقط در یک قسمت فیلم گفته می‌شود که در بمباران سکوها نفتی پدر فوت شده است. بنابراین ما اشاره‌ای به این نمی‌کنیم. نکته‌ای که وجود دارد این است که ما شهدای زیادی داریم که هیچ اثری از آنها نبوده و کسی خبر ندارد که بچه‌های آنها فرزند شهید هستند یعنی اصلاً نامی از آنها نیست. پس اگر من به دنبال این داستان بودم که خب خیلی کارها می‌توانستم انجام دهم و خیلی شعارها را در فیلم بگنجانم. علاقه‌مندم که اینجاک یک سؤال ببرسم؛ چرا باوجود ساخت این همه فیلم درباره جنگ، تابه حال یک پروژه درباره بمباران رشت و سکوها نفتی بندر انزلی ساخته نشده است؟ در نهایت باید بگویم به هیچ‌وجه این‌طور نبود که به خاطر دریافت مجوز بخواهیم چیزی را در داستان قرار دهیم. فیلم «گیسوم» آبان ماه سال گذشته به اتمام رسید، اردیبهشت‌ماه اسمال در جشنواره جهانی فیلم فجر حضور داشت و تور جهانی خود را آغاز کرد و الان هم به اکران عمومی رسیده است. در واقع فیلم به هیچ‌وجه توقیف نبوده است.

■ پیش از این گفتید که برای جهانی شدن باید بومی باشید. آیا این حرف به‌طور خاص درباره سینماصدق می‌کند؟

بحث اساسی من فرهنگ و هنر است. اما به هر حال از ابتدا باید بومی بود. به‌عنوان مثال در بحث تکنولوژی نیز کسی که در بحث آی‌تی یا بخش‌های مختلف صنعت کار می‌کند، اول الف، ب را یاد می‌گیرد و بعد زبان فارسی را می‌آموزد و بعد تازه می‌تواند انگلیسی، فرانسه و آلمانی و هر زبان دیگری را نیز بداند. پس اول لوکال (بومی) می‌شود؛ یاد می‌گیرد و رشد می‌کند و بعد می‌تواند برود و بیشتر هم یاد بگیرد و بعد تازه آن را آدآبته کند. آدآبته کردن به معنی منطقی کردن موضوعی برای یک فرهنگ دیگر هم می‌خواست، اولین اکران فیلم را در یکی از این جشنواره‌ها می‌گذاشتم، ولی من با پخش جهانی صحبت کردم و تصمیم گرفتم اولین نمایش فیلم در جشنواره جهانی فیلم فجر باشد. بسیار از محمد مهدی عسگریو و کامیار محسنیان نیز سپاسگزارم که وقتی با آنها مشورت کردم، گفتند که فیلم ابتدا به جشنواره جهانی فجر برود و خوشبختانه جشنواره جهانی فجر اسمال به فیاپ که جشنواره‌های مورد تأیید اسکار است پیوست. تا این تفسیر میهن پرستی یعنی چه؟ آیا میهن پرستی یعنی اینکه من پول نفت را بگیرم و فیلم بسازم و هیچ بازگشت سرمایه هم نداشته باشد؟ نه، من در بخش خصوصی کار می‌کنم. با پول نفت باید تلفن، راه، آب و گاز و جاده ساخته شود.

■ در مصاحبه‌ای گفتید که دو سال ابتدایی که به ایران برگشتید به شما اجازه کار داده نشد. می‌خواهم بدانم آیا فیلمنامه‌از ابتدا به‌همین شکل بود که ما اکنون می‌بینیم؟ یا اینکه فرزند شهید بودن شخصیت پگاه آهنگرانی در فیلم به خاطر تسریع فرایند مجوز برای تولید به فیلمنامه‌تزیق شد؟

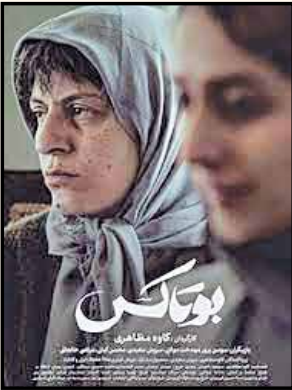
در ابتدا که به ایران آمدم برای این فیلمنامه درخواست نداده بودم و مشکلات دیگری مطرح بود. در پاسخ به سؤال شما نیز باید بگویم که من هیچ‌جا نمی‌گویم که شخصیت خاتم فیلم، فرزند شهید است.



را می‌تواند به بنده ببندد. در روزهای گذشته یکی از خبرگزاری‌های رسمی در مطبسی درباره من نوشته بود که نه میهن‌پرست، نه جنگ‌طلب و نه ضد جنگ. خب من اگر میهن‌پرست نبودم، وقتی که فیلم من را قبل از جشنواره جهانی فیلم فجر، سه جشنواره دیگر هم می‌خواست، اولین اکران فیلم را در یکی از این جشنواره‌ها می‌گذاشتم، ولی من با پخش جهانی صحبت کردم و تصمیم گرفتم اولین نمایش فیلم در جشنواره جهانی فیلم فجر باشد. بسیار از محمد مهدی عسگریو و کامیار محسنیان نیز سپاسگزارم که وقتی با آنها مشورت کردم، گفتند که فیلم ابتدا به جشنواره جهانی فجر برود و خوشبختانه جشنواره جهانی فجر اسمال به فیاپ که جشنواره‌های مورد تأیید اسکار است پیوست. تا این تفسیر میهن پرستی یعنی چه؟ آیا میهن پرستی یعنی اینکه من پول نفت را بگیرم و فیلم بسازم و هیچ بازگشت سرمایه هم نداشته باشد؟ نه، من در بخش خصوصی کار می‌کنم. با پول نفت باید تلفن، راه، آب و گاز و جاده ساخته شود.

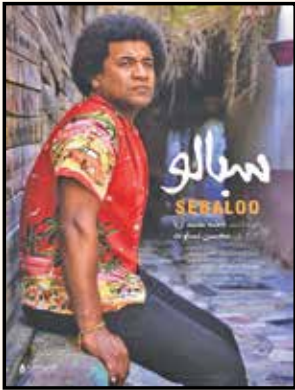
■ در مصاحبه‌ای گفتید که دو سال ابتدایی که به ایران برگشتید به شما اجازه کار داده نشد. می‌خواهم بدانم آیا فیلمنامه‌از ابتدا به‌همین شکل بود که ما اکنون می‌بینیم؟ یا اینکه فرزند شهید بودن شخصیت پگاه آهنگرانی در فیلم به خاطر تسریع فرایند مجوز برای تولید به فیلمنامه‌تزیق شد؟

در ابتدا که به ایران آمدم برای این فیلمنامه درخواست نداده بودم و مشکلات دیگری مطرح بود. در پاسخ به سؤال شما نیز باید بگویم که من هیچ‌جا نمی‌گویم که شخصیت خاتم فیلم، فرزند شهید است.



و مردم‌نگار ساخته رها فریدی، روایت‌گر زندگی برجالش ابراهیم مصطفی ترانه‌سرای هرمزگانی است که در حال حاضر در سینماهای هنر و تجربه در حال اکران است. مستند «قصه بولوار» ساخته داوود اشرفی به وقایع مختلف و حوادث اجتماعی‌ای که با بلوار کشاورز پیوند خورده‌اند، می‌پردازد.

«منگی» اولین تجربه کارگردانی فیلم بلند داستانی رسول کاهانی است که به شیوه پلان-سکانس و بیلون هیچ‌گونه تقطیع نما فیلم‌برداری شده است و تجربه‌ای نواز لحاظ شکست زمان به آینده، گذشته و حال در طول ۸۲ دقیقه زمان فیلم دارد. الهام حسامی کارگردان مستند «راه که تازه آینه» با همراهی ترکس آلبار، الناز شاکر دوست، هوتن شکبیا، فرشته صدرعرفایی، شبنم مقدمی، پدرام شریفی، امین میری، آرمن رحیمیان و باتیان شومون به چگونگی ساخته شدن فیلم «بی‌که ماه کامل شد» از شکل‌گیری ایده تا پایان فیلم‌برداری و بازتاب‌های جهانی آن پرداخته، همچنین در این فیلم با شخصیت‌ها واقعی در خانواده فائزه منصوری گفت‌وگو شده است.



می‌کند. «بی‌گانه» اگرچه فیلمی تجربی و اولین ساخته بلند پویا اشتها‌ردی است با همراهی تیم حرفه‌ای ساخته شده و توانایی همراه کردن مخاطب با خود را دارد. مستند «کیارستمی و عصای گمشده» به کارگردانی محمودرضا داشت و مدتی است که روایتی از نوع نگاه کیارستمی به زندگی و سینما است. «وقتی پروانه شدم» به‌کارگردانی آرش زارع، روایتی از زندگی یک زن است. «یک زن ساده اما مهربان زندگی سخت و نامطبوع خود را با همسرش پشت سر می‌گذارد. بعد از اینکه ناخواسته باعث مرگ شوهرش می‌شود، زندگی جدیدی را با بدن شوهر مرده خود آغاز می‌کند.» «رخنده در تاریکی» مستندی درباره سیر تحولات تاریخ تئاتر افغانستان از آغاز امروز است. در این فیلم چهره‌هایی چون علی رفیعی، رضا ارحام صدر، نصرت‌الله وحدت، کیومرث پوراحمد و... به روایت تاریخ تئاتر افغانستان پرداخته‌اند. زنده‌یاد پرویز پورحسینی گویندگی گفتمان متن آن را برعهده داشته است.

«چی چکا» قصه شب مستندی ریتمیک



سال‌ها پیش اجدادش از زنگبار، جنوب تانزانیا به بوشهر مهاجرت کردند. فیلم سینمایی «مکالمات» ساخته رضا رزم داستان بیژن است که تنها زندگی می‌کند و مجرد است. او دانش آموخته فیزیک و به تدریس مشغول است و مدتی است که می‌خواهد دلیل اصلی این را که چرا از نگاه دیگران انسان موقتی نیست در خودش پیدا کند. مستند «کودتای ۵۳» به کارگردانی تقی امیرانی در سی‌وهفتمین جشنواره ملی فیلم جهان‌بینی، گفتمان‌ها و دیدگاه‌های فیلم سینمایی «چ» در مرکز توجه خود قرار می‌دهد. «این‌جا کن است، نیست» به کارگردانی علیرضا غفاری این روزها در آلوده است بلکه بسیاری از زوایای تاریک آنان در ذهن دارد.

«سبالو» به کارگردانی محسن نسائود و تهیه‌کنندگی فاطمه معتمدآریا روایتی از زندگی محمود بردکنیا نوازنده سازهای کوبه‌ای است که اصالتی آفریقایی دارد و



می‌رسد، او با خواندن نامه درگیر ماجرای کارآگاهی می‌شود. «ملاقات‌های شگفت‌انگیز» ساخته مهدی ارجمند، مستندی آرشبوی است که با به‌کارگیری جلوه‌های ویژه، فضایی بینامتنی میان جهان‌بینی، گفتمان‌ها و دیدگاه‌های افراد مشهور و نام‌دار تاریخ به وجود آورده است. مستند «خواب ابراهیم» ساخته محمود کریمی، مراحل ساخت فیلم «چ» ساخته ابراهیم حاتم‌کیا را به تصویر کشیده و این کارگردان را در فرایند ساخت فیلم سینمایی «چ» در مرکز توجه خود قرار می‌دهد. «این‌جا کن است، نیست» به کارگردانی علیرضا غفاری این روزها در آلوده است بلکه بسیاری از زوایای تاریک آنان در ذهن دارد.

نگاهی به اکران آنلاین و فیزیکی فیلم‌های «هنر و تجربه»

از مستند پر تر ه تا فیلم‌های کوتاه و سینمایی

سعید حضرتی
خبرنگار

پرده نقره‌ای سینما این روزها کم فروغ شده اما مخاطبان سینمای «هنر و تجربه» می‌توانند از بین حدود ۲۸ فیلم داستانی، مستند، کوتاه و... که در سینماها نمایش دارند اثری را انتخاب کنند و به تماشای آن بنشینند. فیلم‌های گروه سینمایی «هنر و تجربه» را از دو طریق آنلاین و در سالن سینما می‌توان تماشا کرد. در این مطلب مروری داریم بر فیلم‌های گروه هنر و تجربه که بر پرده هستند.

مستند اتوبیوگرافی «رنج زیر پوست» ساخته محسن جعفری‌راد به تازگی اکران خود را در سینماهای «هنر و تجربه» آغاز کرده است. محسن جعفری راد که بیشتر به‌عنوان روزنامه‌نگار و منتقد سینما شناخته می‌شود. «رنج زیر پوست» از معدود فیلم‌هایی است که یک منتقد، درباره خانواده خودش روایتی افشاگرانه ارائه کرده است.

«دشت خاموش» به نویسندگی و کارگردانی احمد بهرامی فیلمی است که به شرایط دشوار کاری و روابط پیچیده انسانی در یک محیط کارگری می‌پردازد.

«یوتاکس» جدیدترین ساخته کاوه مظاهری، محصول مشترک دو کشور ایران و کانادا تازه‌ترین فیلم اکران شده در گروه هنرو تجربه است. این فیلم داستان دو خواهر به نام اکرم و آذر است که به همه می‌گویند برادرشان قاچاقی به آلمان رفته اما به مرور این «دروغ» در ذهن اکرم به یک واقعیت تبدیل می‌شود.

بسته‌ای شامل ۶ فیلم کوتاه «خراش» اثر مجید امینی، «مرگ تدریجی» اثر آمین صحرایی، «آدابیت» اثر کمال کچوئیان، «ورای سکوت» اثر آذر تجلی، «سنگبال» اثر آمین صحرایی و «فیلم‌رغ» اثر امیرمسعود سهیلی یکی دیگر از آثار است که این روزها در این گروه در حال اکران است. فیلم مستند «آیدین» روایتی است با صدای رپوز پرستویی از زندگی بازیکن فقید بسکتبال ایران، آیدین نیکخواه بهرامی. خاطره گوئی از زبان خانواده و همبازی‌های آیدین نه تنها این مستند را جذاب کرده، بلکه شخصیت این اسطوره فقید را به علاقه‌مندان و به‌خصوص نسل جدید بسکتبال معرفی کرده است. فیلم «آبچی» که منتقدان، آن را فیلمی اجتماعی با بازی‌های قابل اعتنا همراه با نمایشی مهربانانه از «مادر» می‌دانند، نخستین ساخته بلند مرجان اشرفی است و در سال ۱۳۹۴ ساخته شد و بعد از حدود ۶ سال روی پرده رفته است.

فیلم سینمایی «پسر» به کارگردانی و نویسندگی نوشین معراجی و تهیه‌کنندگی مهدی فردقادی روایتگر داستان پسر چهل ساله‌ای است که همچنان با مادر خود زندگی می‌کند. او با وجود گذر از جوانی هنوز در کودکی خود باقی مانده و در گذران زندگی به مادر محتاج است اما این واقعیت را نمی‌پذیرد. بسته فیلم‌های کوتاه «هفت» شامل فیلم‌های «آز دید» علی تصدیقی، «سقف کاذب» محسن نجفی مهری، «سکون» مهدی برجیان، «قطعه ۸۵»